

در صفحه ۱۲ بخوانید...

از خودم کله دارم؛ عشق یورژیم، دوست بداریم | غلامرضا امامی

غفلت بی بازگشت | تاها بهبهانی

رامیز قلی‌اف و یک تخته سنگ | فرهاد فخرالدینی

... و



خانواده

و آموزش حقوق شهروندی

در یک جامعه سالم و پیشرو که سرمایه اجتماعی (بخوابید اعتماد متقابل، مشارکت اجتماعی و روابط انسانی صادقانه و مبتنی بر صلح و دوستی)...



زمینه خانوادگی و رفتار شهروندی

هر یک از ماسه‌پروندان در اجتماع مشغول انجام فعالیت‌هایی روزانه هستیم؛ در عین حال در نقش‌های مختلف دیگری نیز در سایر حوزه‌ها فعالیت می‌کنیم.

بحث‌های پیرامون عوامل مؤثر بر تربیت و رفتار شهروندی

یک خانواده و هزار شهروند



تربیت کودکان و اخلاق شهروندی



شروین وکیلی
جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

خانواده در تمام جوامع انسانی کانونی بنیادین است که زایش اعضای جدید جامعه در آن تحقق می‌یابد. این زایش هم جنبه‌ای زیست‌شناختی دارد و تولید نسل بعد جامعه از راه تولد نوزادان را شامل می‌شود و هم سویه‌ای روانشناختی و فرهنگی دارد. اعضای تازه جامعه در خانواده است که زبان می‌آموزند، قواعد و هنجارهای اجتماعی را درونی می‌کنند، در زیست جهان بزرگ‌ترها شریک می‌شوند و کوتاه سخن این که «اجتماعی می‌شوند». از این روست که آنچه خانواده به کودکان می‌آموزاند، هسته مرکزی شخصیت اجتماعی‌شان را در آینده شکل می‌دهد. اخلاق جمعی، باورهای پایه و قواعد هنجارین کردار همگی از مجرای آموزش‌های والدین در سال‌های نخستین رشد کودک به وی منتقل می‌شوند و در سراسر زندگی وی نقشی تعیین‌کننده را ایفا می‌کنند.

حاکم بر پرورش فرزند و جست‌وجو در چگونگی وارد ساختن کودکان به دنیای اجتماعی بزرگسالان، مسأله‌ای مهم و کلیدی است که گره فهم بسیاری از مسائل کلان جامعه‌شناختی را می‌گشاید. در ایران امروز، این گره به ظاهر کور می‌گردد، چرا که یکی از لایه‌های نادیده مانده و پژوهیده نشده‌اش، همین کیفیت پرورش کودکان در خانواده است.

با این وجود، بر مبنای داده‌هایی موضعی و پیامدهایی جامعه‌شناختی، می‌توان پذیرفت که این چندالگوی زیر در فرزند پروری ۳۰۲ نسل گذشته حاکم بوده است. هر چند داده‌های آماری گسترده و قابل اتکالی در دست نیست و در نهایت بخشی از ماجرا به حدس و گمان باز می‌شود. نخستین الگو آن است که انگار آموزه‌های خانوادگی در بسیاری از زمینه‌ها بسنده و کافی نیست. این را می‌توان از ناتوانی‌های نرم‌افزاری نسل نوجوان و جوان دریافت و همچنین از توانمندی‌شان در زمینه‌هایی که خارج از حیطه آموزش خانوادگی قرار دارد. نسل نوجوان امروز، در استفاده از فناوری‌های ارتباطی، بهره‌جویی از شبکه‌های اجتماعی و تا حدودی یافتن

راهبردهایی موضعی و موقت برای کامجویی و دستیابی به لذت خبرگی و مهارتی چشمگیر از خود نشان می‌دهد. همه این مهارت‌ها خارج از دایره آموزش خانوادگی قرار دارند و در بیشتر موارد نسل پیشین که والدین این نوجوانان هستند، خودشان تسلط چندانی بر آن را نمانند نمی‌سازند. موازی با این پدیده، می‌بینیم که تسلط نوجوانان بر زبان پارسی، آشنایی‌شان با ادبیات، شعر، تاریخ و اساطیر ملی و حجم دانش‌شان درباره آنچه که خزانه هویت اجتماعی محسوب می‌شود، بسیار سست و شکننده است. اینها عناصری است که قاعدتا باید در درون خانواده آموخته شود. یعنی کودکان بسته به طبقه فرهنگی و اقتصادی خانواده‌شان، گفتمانی خاص را با لوازم زبانی و ارتباطی آن به ارث می‌برند و هویتی را بر مبنای آن شکل می‌دهند. شواهد موضعی موجود نشان می‌دهد که این هویت درست شکل نگرفته و آن خزانه معنایی درست منتقل نشده است.

سومین الگو، که تا حدودی از دو مورد بالا ناشی می‌شود، سطحی و سطحی‌بودن یافتن جهان‌بینی نوجوانان است. کودکان از دیدگاه‌های خود را جدا از خانواده‌ها معمولاً فقط خود را جدا از جامعه می‌بینند و تنها جایی که خیلی به آن عنایت و توجه دارند، محدوده محاصره شده میان دیوارهای خانه‌شان است و خارج از آن را محیط زندگی خود نمی‌دانند و لذا خود را موظف به رعایت حقوق شهروندی و مسئول در مقابل دیگران نمی‌دانند. البته باید توجه داشت که پدر و مادران کنونی، همان فرزندان هستند که بیشتر در همین کشور، به مدرسه رفته‌اند و تعلیم و تربیت رسمی همین جامعه را دیده‌اند و اینها آموزش‌های لازم را ندیده‌اند که بخواهند همان‌ها را به فرزندان‌شان انتقال دهند. بنابراین، در ایران، همه نسل‌ها از تقلید کرده‌اند و چیز جدیدی در این زمینه، یعنی تربیت شهروندی، به آنها اضافه نشده است.

در کشورهای اروپایی و آمریکا، در درجه اول، حقوق شخصی افراد، به غایت مورد احترام است؛ تا این اندازه که اگر کسی حتی بانگه، مزاحمتی برای دیگری ایجاد کند، آن فرد، این حق را پیدا می‌کند که از طرف مقابلش شکایت

خانواده‌ها در همه جای دنیا، متاثر از فرهنگ جامعه هستند. جامعه و شرایط فرهنگی - اجتماعی آن، به مثابه ابری است که روی تمام خانواده‌های آن محدوده جغرافیایی، سایه انداخته و آن قوانین و فرهنگ، به خانواده‌ها سایه می‌افکند. لذا چون شرایط جوامع توسعه یافته در رعایت حقوق دیگران و رفتارهای شهروندی، بسیار منظم، دقیق و با کمترین خلل، تثبیت شده است، این شرایط به خانواده‌ها نیز تسری می‌یابد و آنها را در تربیت فرزندان‌شان با همان مشخصه‌های فرهنگی و شهروندی، بار می‌آورد. گرچه موارد استثنا و نقضی وجود دارد که اینطور نیستند و رفتارهای مدنی شهروندی صحیح ندارند، اما این موارد بسیار کم و ناچیزند. وقتی شما مقایسه‌ای می‌کنید میان نحوه در صف ایستادن مردم دو کشور توسعه یافته و توسعه نیافته‌ای می‌بینید که در کشورهای توسعه نیافته‌ای مثل کشور ما، در صف انتظار ایستادن، همراه با مواردی مثل هل دادن، هجوم آوردن، جلو زدن و جازدن در بهترین حالت، غرغر کردن و نق زدن به افراد جلوی صف است که «زود باش دیگه»، «چرا معطلی؟!»، «...» در صورتی که در کشورهای توسعه یافته، هیچگاه - تقریباً در اکثر موارد - شاهد چنین رفتارهایی یا حتی مشابه آن رفتارها نیستید؛ هر چقدر هم که کار افراد جلوی صف، به درازا بینجامد، افرادی که در صف، به حالت انتظار ایستاده‌اند، به راحتی تحمل می‌کنند و شکیبایی نشان می‌دهند.

این زمینه ارایه داد، باید گفت که این وظیفه همه ارکان و اقتشار جامعه است تا در این پروژه فرهنگی‌سازی، شرکت فعالانه داشته باشند. باید نهاد صداوسیما یا ساختن فیلم‌ها و تیزرهای آموزشی، آموزش و تربیت رفتارهای شهروندی را انتقال بدهد؛ نهاد آموزش و پرورش، سهم خود را در این پروژه با مکتوب کردن مفاهیم و آموزه‌های شهروندی در کتب درسی کودکان، از همان آغازین سال‌های ورود به دبستان، ادا کند. شهروندان در جامعه نیز با رعایت حقوق دیگران و همچنین رفتارهای صحیح مدنی و شهروندی، سعی در ترویج و توسعه این فرهنگ داشته باشند؛ به طوری که هر کس حقوق شهروندی را رعایت نکرد، احساس حقارت و کم‌رزشی کند و برای حفظ عزت نفس خودش هم که شده، ناظر و کنترل‌گری درونی برای رفتارش داشته باشد.



مصطفی تبریزی
روانشناس و مشاور
دانش آموزی

در کشور ما، ایران، ما تجانس فرهنگی نداریم و دچار عدم تجانس فرهنگی هستیم؛ لذا از روستاهای سیستان و بلوچستان گرفته تا اطراف نیابوران، فرهنگ‌های متعددی وجود دارد. بنابراین نمی‌توان به‌طور قاطع و دقیق در مورد رفتار تربیتی خانواده‌های ایرانی صحبت کرد و در این باب، اتخاذ موضع کرد. اما می‌توان به‌طور تقریبی ذکر کرد که اغلب قشر متوسط شهری در ایران به جای این که شهر را خانه خود بدانند، آن را جدا از خانه‌شان می‌بینند. مدلول سخن فوق این است که کمتر کسی ممکن است اشغال یا ته‌سیگارش را بر فرش یا تراش خانه‌اش پرت کند؛ در صورتی که ماکررا شاهد چنین رفتارهایی در سطح شهر هستیم. گرچه اقشاری هستند که فرهنگ بالایی دارند

و شهر و کشور و حتی جهان را به مثابه محیط زندگی خود می‌دانند و همه جا و تحت هر شرایطی، همه چیز را رعایت می‌کنند. در تمام دنیا، نهاد خانواده، از تباط و وثیقی با جامعه و شرایط آن دارد. یعنی خانواده‌ها در هر کشوری، متاثر از جامعه و شرایط اجتماعی - عرفی - فرهنگی آن هستند؛ لذا اگر در جامعه، قانون و احترام به آن فرهنگ‌ها نیز دیگران به درستی جا افتاده باشد، خانواده‌ها نیز از جامعه تأثیر گرفته و در تربیت فرزندان‌شان، چنین مواردی را دخیل می‌کنند

و شهر و کشور و حتی جهان را به مثابه محیط زندگی خود می‌دانند و همه جا و تحت هر شرایطی، همه چیز را رعایت می‌کنند. در تمام دنیا، نهاد خانواده، از تباط و وثیقی با جامعه و شرایط آن دارد. یعنی خانواده‌ها در هر کشوری، متاثر از جامعه و شرایط اجتماعی - عرفی - فرهنگی آن هستند؛ لذا اگر در جامعه، قانون و احترام به آن فرهنگ‌ها نیز دیگران به درستی جا افتاده باشد، خانواده‌ها نیز از جامعه تأثیر گرفته و در تربیت فرزندان‌شان، چنین مواردی را دخیل می‌کنند

و شهر و کشور و حتی جهان را به مثابه محیط زندگی خود می‌دانند و همه جا و تحت هر شرایطی، همه چیز را رعایت می‌کنند. در تمام دنیا، نهاد خانواده، از تباط و وثیقی با جامعه و شرایط آن دارد. یعنی خانواده‌ها در هر کشوری، متاثر از جامعه و شرایط اجتماعی - عرفی - فرهنگی آن هستند؛ لذا اگر در جامعه، قانون و احترام به آن فرهنگ‌ها نیز دیگران به درستی جا افتاده باشد، خانواده‌ها نیز از جامعه تأثیر گرفته و در تربیت فرزندان‌شان، چنین مواردی را دخیل می‌کنند

و شهر و کشور و حتی جهان را به مثابه محیط زندگی خود می‌دانند و همه جا و تحت هر شرایطی، همه چیز را رعایت می‌کنند. در تمام دنیا، نهاد خانواده، از تباط و وثیقی با جامعه و شرایط آن دارد. یعنی خانواده‌ها در هر کشوری، متاثر از جامعه و شرایط اجتماعی - عرفی - فرهنگی آن هستند؛ لذا اگر در جامعه، قانون و احترام به آن فرهنگ‌ها نیز دیگران به درستی جا افتاده باشد، خانواده‌ها نیز از جامعه تأثیر گرفته و در تربیت فرزندان‌شان، چنین مواردی را دخیل می‌کنند

یادداشت ۱

جامعه به مثابه ابری بر سر خانواده‌ها

کند. اگر کسی حتی بخواهد دیگری را نصیحت کند، اول اجازه می‌گیرد که آیا شما به من اختیار این کار را می‌دهید یا خیر؟ و اگر آن فرد، پاسخ منفی بدهد، او از نصیحت خودداری می‌کند. تفاوت دیگری که زندگی اروپایی‌ها با زندگی ما دارد، این است که چون آنها به تدریج، مراحل صنعتی شدن را طی کرده‌اند و همه دوران‌های تکامل صنعت را لمس کرده‌اند، با قوانین و مقررات، آشنا هستند و لزوم رعایت کردن حقوق شهروندی را به درستی می‌دانند و در کم می‌کنند و یقین دارند که این قوانین و الزامات رفتارهای شهروندی، برای صیانت از حقوق آنهاست. اما در کشورهای توسعه نیافته مانند کشور ما، چون تغییرات صنعتی، یکباره رخ داده است و به‌طور مثال خودرو، به‌طور دفعی وارد کشورشان شده است و مراحل پیشین را تجربه نکرده‌اند، فکر می‌کنند که قوانین و مقررات، تنها یک رابطه عمودی از بالا به پایین است و لذا به آن تمکین نمی‌کنند. شهروندان جوامع توسعه نیافته، رفتارهای مدنی و شهروندی را واقعی نمی‌نهند و آنها را دست و

باگیر وبی‌ارزش می‌دانند. همانطور که در بالا ذکر کردم، خانواده‌ها در همه جای دنیا، متاثر از فرهنگ جامعه هستند. جامعه و شرایط فرهنگی - اجتماعی آن، به مثابه ابری است که روی تمام خانواده‌های آن محدوده جغرافیایی، سایه انداخته و آن قوانین و فرهنگ، به خانواده‌ها سایه می‌افکند. لذا چون شرایط جوامع توسعه یافته در رعایت حقوق دیگران و رفتارهای شهروندی، بسیار منظم، دقیق و با کمترین خلل، تثبیت شده است، این شرایط به خانواده‌ها نیز تسری می‌یابد و آنها را در تربیت فرزندان‌شان با همان مشخصه‌های فرهنگی و شهروندی، بار می‌آورد. گرچه موارد استثنا و نقضی وجود دارد که اینطور نیستند و رفتارهای مدنی شهروندی صحیح ندارند، اما این موارد بسیار کم و ناچیزند. وقتی شما مقایسه‌ای می‌کنید میان نحوه در صف ایستادن مردم دو کشور توسعه یافته و توسعه نیافته‌ای می‌بینید که در کشورهای توسعه نیافته‌ای مثل کشور ما، در صف انتظار ایستادن، همراه با مواردی مثل هل دادن، هجوم آوردن، جلو زدن و جازدن در بهترین حالت، غرغر کردن و نق زدن به افراد جلوی صف است که «زود باش دیگه»، «چرا معطلی؟!»، «...» در صورتی که در کشورهای توسعه یافته، هیچگاه - تقریباً در اکثر موارد - شاهد چنین رفتارهایی یا حتی مشابه آن رفتارها نیستید؛ هر چقدر هم که کار افراد جلوی صف، به درازا بینجامد، افرادی که در صف، به حالت انتظار ایستاده‌اند، به راحتی تحمل می‌کنند و شکیبایی نشان می‌دهند.

خانواده‌ها در همه جای دنیا، متاثر از فرهنگ جامعه هستند. جامعه و شرایط فرهنگی - اجتماعی آن، به مثابه ابری است که روی تمام خانواده‌های آن محدوده جغرافیایی، سایه انداخته و آن قوانین و فرهنگ، به خانواده‌ها سایه می‌افکند. لذا چون شرایط جوامع توسعه یافته در رعایت حقوق دیگران و رفتارهای شهروندی، بسیار منظم است، این شرایط به خانواده‌ها نیز تسری می‌یابد.

این زمینه ارایه داد، باید گفت که این وظیفه همه ارکان و اقتشار جامعه است تا در این پروژه فرهنگی‌سازی، شرکت فعالانه داشته باشند. باید نهاد صداوسیما یا ساختن فیلم‌ها و تیزرهای آموزشی، آموزش و تربیت رفتارهای شهروندی را انتقال بدهد؛ نهاد آموزش و پرورش، سهم خود را در این پروژه با مکتوب کردن مفاهیم و آموزه‌های شهروندی در کتب درسی کودکان، از همان آغازین سال‌های ورود به دبستان، ادا کند. شهروندان در جامعه نیز با رعایت حقوق دیگران و همچنین رفتارهای صحیح مدنی و شهروندی، سعی در ترویج و توسعه این فرهنگ داشته باشند؛ به طوری که هر کس حقوق شهروندی را رعایت نکرد، احساس حقارت و کم‌رزشی کند و برای حفظ عزت نفس خودش هم که شده، ناظر و کنترل‌گری درونی برای رفتارش داشته باشد.